



راهکارهای قرآنی وحدت و تقرب

عبدالصمد مرتضوی^۱

(مذهب: حنفی - استان خراسان جنوبی)

چکیده

با تلاوت و مطالعه قرآن کریم متوجه می‌شویم که در این کتاب جاوید الهی از دو نوع اختلاف سخن به میان آمده که یکی مطلوب و دیگری نامطلوب است. اختلاف در طبایع بشری و اختلاف در ماهیت جهان هستی و حتی اختلاف در نوع برداشت و تفسیر از دین، از جمله اختلافات مطلوب است اما اختلاف از روی لجاجت، جهالت و تعصب و پس از هویدا شدن حق و مانند آن از جمله اختلافات نامطلوب به شمار می‌آید. قرآن کریم که جامع‌ترین کتاب قانون برای بشریت و برترین برنامه برای زندگی انسان‌هاست راهکارهایی را برای حل اختلاف و جهت تحقق تقرب ارائه داده که بسیار حایز اهمیت است. مهم‌ترین این راهکارها که در مقاله مورد نظر به طور مفصل بدان پرداخته شده است عبارت‌اند از:

۱. رجوع به قرآن و سنت برای حل اختلاف.
۲. التزام به اعمال و فرامینی که برای ایجاد همبستگی مؤثرند.
۳. توجه و التزام به «اصلاح‌ذات‌البین».
۴. توجه و عنایت به فرامین اخلاقی و سلوک اجتماعی.
۵. گفت‌وگو و تعامل علمی میان دانشمندان دینی و غیره.

کلیدواژه‌ها: قرآن، وحدت، تقرب، اختلاف.

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی.

مقدمه

تقریب و همبستگی میان مذاهب اسلامی مسئله‌ای است حیاتی و بسیار مهم که جامع‌ترین و کامل‌ترین پشتوانه‌های دینی (یعنی قرآن و سنت) به وضوح آن را تأیید می‌کند. از آنجا که قرآن کریم تنها کتابی است که در صحت و حجیت آن میان تمامی فرق و مذاهب اسلامی اتفاق نظر وجود دارد؛ در این تحقیق صرفاً به آیات صریح قرآن استناد و از سایر منابع و مآخذ حتی نظریه‌ها و برداشت‌های مفسرین استفاده نشده است.

با کمال تأسف در حالی که به صراحت از جانب خداوند حکیم آیات و رهنمودهایی برای تحقق این اصل اساسی و حیات‌بخش در میان امت اسلامی نازل شده است، اما با این وجود، در این عصر که دشمنان تا دندان مسلح اسلام، امت اسلامی و آرمان‌های بلند آنان را نشانه گرفته‌اند؛ مشاهده می‌کنیم که برخی افراد کوتاه‌نظر با استناد به روایات ضعیف و با دلایلی بی‌اساس، وحدت و همبستگی امت را بر هم می‌زنند و اسلام‌ستیزان را خوشحال و جسور می‌کنند. بر همین اساس آحاد مسلمانان موظفند برای تحقق تقریب و همبستگی میان امت اسلامی تلاش کنند و راه‌کارهای قرآن کریم را برای محقق شدن این مهم ارائه نصب‌العین خود قرار دهند.

انواع اختلاف در قرآن

به طور کلی دو نوع اختلاف در قرآن قابل مشاهده است که عبارت‌اند از: اختلاف طبیعی و مطلوب؛ و اختلاف غیرطبیعی و نامطلوب.

۱. اختلاف طبیعی و مطلوب

در آیات بسیاری از قرآن، به اختلاف افکار، دسته‌ها، گروه‌ها، ملت‌ها و طبایع بشری اشاره شده و این گونه از اختلاف‌ها و چندگانگی‌ها، طبیعی و نشئت گرفته از سنت الهی قلمداد شده است. در ذیل به تفصیل مصادیقی چند از این نوع اختلاف‌ها را متذکر می‌شویم.

الف: اختلاف در طبایع و ویژگی‌های بشری

خداوند انسان‌ها را به گونه‌های مختلف آفریده است و هر انسانی شخصیت، تفکر و طبیعت ویژه خود را دارد و این تفاوت‌ها در رفتار و سلوک مادی و معنوی آن‌ها ظهور پیدا می‌کند. تلاش برای یکسان‌سازی هویت و تفکر و خلقت انسان‌ها؛ بیهوده و بلکه غیر ممکن به نظر می‌رسد چرا که برخلاف فطرتی است که خدا بر آن فطرت، انسان‌ها را آفریده است. این نوع

اختلاف که در واقع به معنای تنوع است و نه تضاد، منجر به تفکیک و تمایز انسان‌ها از هم می‌شود که برای تداوم حیات بشر لازم و ضروری است. در آیه ۲۲ سوره روم خداوند متعال می‌فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَالِدَاتُ إِذَا حَمَلْنَ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِلْعَالَمِينَ» و از آیات او آفرینش آسمان، و زمین و تفاوت زبان‌ها و رنگ‌های شماست. همانا در این نشانه‌هایی است برای عالمیان!

در جایی دیگر می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات، ۱۳) ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید.

در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

«وَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ أَطْوَارًا» (نوح، ۱۴) شما را به گونه‌های مختلف آفرید.

همچنین می‌فرماید:

«وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلِغَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ» (انعام، ۱۶۵) برخی را بر برخی دیگر بالاتر از دیگری گردانیدیم تا شما را در این تفاوت مراتب و درجات بیازماییم.

این تنوع گونه‌ها، هم از لحاظ ذهنی و فکری و استعداد و فهم، و هم به لحاظ شرایط اجتماعی و فرهنگی و موقعیت زندگی و گرایش‌های عقیدتی می‌تواند باشد، و نیز این از مشیت الهی است که انسان‌ها به لحاظ هوش، ذکاوت، شجاعت، آرمان‌خواهی و روحیات علمی و اقتصادی متفاوت باشند. این تفاوت‌ها باعث می‌شود که انسان‌ها در برداشت از متون دینی متفاوت عمل کنند، یعنی بعضی سهل‌گیر و بعضی دیگر سخت‌گیر باشند و برخی به ظاهر نص استناد کنند و برخی دیگر اهداف آن‌را دلیل بگیرند. آن‌گونه که پیداست این تفاوت‌ها خود را در علم فقه نیز نشان می‌دهد و به موجب آن مشاهده می‌کنیم که مثلاً عبدالله بن عمر تنها لمس زن را ناقض وضو می‌داند ولی ابن عباس که طبیعت سهل‌گیری داشت این‌گونه فتوا نمی‌داد. در قرآن هم در داستان موسی و هارون (علیهما السلام) - که برادر هم بودند- این تفاوت دیده می‌شود.

ب: اختلاف در ماهیت جهان هستی

این جهان هستی که ما در گوشه کوچکی از آن زندگی می‌کنیم؛ نیز مختلف و متنوع آفریده شده است:

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ» (فاطر، ۲۸-۲۷) آیا ندیدی که خدا از آسمان، آبی فرستاد و بدان میوه‌هایی با رنگ‌های گوناگون پدید آوردیم؟ و برخی از کوه‌ها [و سنگ‌ها] دارای خطوط [و رگه‌هایی] سفید و سرخ به رنگ‌های مختلف و [گاه] به رنگ کاملاً سیاه هستند؛ و از انسان‌ها و جنبنندگان و چهارپایان نیز همان طور رنگ‌هایشان گوناگون است. از بندگان خدا تنها عالمان از او می‌ترسند. آری، خداوند شکست‌ناپذیر آمرزنده است. همچنین در قرآن به تنوع میوه‌ها و محصولات زراعی اشاره شده و خدای متعال فرموده است: «وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَبَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزُرْعٌ وَنَخِيلٌ وَصِنَوَانٌ وَغَيْرُ صِنَوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفِضَلُ بَعْضُهَا عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (رعد، ۴) و در زمین قطعه‌های [گوناگون] به هم پیوسته و باغ‌هایی از درختان انگور و کشتزار وجود دارد؛ و [نیز] درختان خرماي هم ریشه و ناهم‌ریشه که از یک آب آبیاری می‌شوند، و در [طعم] میوه‌ها، برخی از آن را بر برخی [دیگر] برتری داده‌ایم. بی‌گمان در این [امر] برای گروهی که خرد می‌ورزند نشانه‌هاست.

این اختلاف نیز که قرآن بارها بدان پرداخته است منجر به تنوع و تعدد می‌شود و نه تضاد و تناقض! روی همین اصل در سوره ملک می‌فرماید:

«الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِن فُطُورٍ» (ملک، ۳) همان که هفت آسمان را بالای هم بیافرید. در آفرینش [آن خدای] هستی‌بخش هیچ‌گونه تفاوت و اختلافی نمی‌بینی. پس چشم بگردان، آیا خلل و نقصانی می‌بینی؟

ج: اختلاف در افکار، اندیشه و برداشت‌ها

قرآن کریم علاوه بر پذیرش تنوع و اختلاف بشر در رنگ‌ها و نژادها و... اختلاف در باورها و برداشت‌ها را نیز پذیرفته است البته این به معنای درستی همه باورها و تفسیرها نیست بلکه اختیار و آزادی خدادادی انسان چنین اقتضایی دارد که انسان‌ها متفاوت و مختلف ببندیشند.

در قرآن آیات فراوانی است که به این موضوع اشاره دارد برخی از آیات عبارت‌اند از: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (تغابن، ۲) او (خدا) کسی است که شما را آفرید آنگاه برخی از شما کافر و برخی مؤمن شدید.

«وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ» (نحل، ۹) و اگر [خدا] می‌خواست مسلماً همه شما را هدایت می‌کرد.

«وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً» (مائده، ۴۸) اگر خداوند می‌خواست همه شما را یک امت قرار می‌داد.

«وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ» (هود، ۱۱۳) اگر پروردگار تو خواسته بود همه مردم را یک امت قرار می‌داد، ولی همواره در اختلاف خواهند بود.

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان، ۳) به راستی ما راه (حق) را به او نمایانديم، خواه شاکر (و پذیرا) باشد یا ناسپاس.

«لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ» (کافرون، ۶) دین شما برای خودتان و دین من برای خودم.

قرآن برخی آیات خود را قرآن محکم و برخی دیگر را متشابه معرفی می‌کند و می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ» (آل عمران، ۷) او کسی است که این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کرد، که قسمتی از آن آیات «محکم» (صریح و روشن) است که اساس این کتاب می‌باشد؛ و قسمتی از آن «متشابه» است (یعنی آیاتی است که در نگاه اول، احتمالات مختلفی در آن می‌دهند ولی با توجه به آیات محکم، تفسیر آن‌ها آشکار می‌شود).

وجود قرائت‌های سبع (هفت‌گانه) از قرآن نشانه‌ای از وجود این نوع اختلاف در برداشت است که هیچ یک از علمای مسلمین منکر آن نشده است.

خداوند با همه این احوال فرموده است: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء، ۹۲) این دین شما و این امت شما یگانه است و پروردگار شمایم پس مرا بپرستید.

با این مقدمه آشکار می‌شود که باید عوامل وحدت‌زا را شناخت زیرا شناخت این عوامل، به شناخت راه‌کارها می‌انجامد و هر مذهب و گروهی می‌داند که با واقعیتی به نام اختلاف مذاهب روبرو است و اگر بخواهد به تعالیم قرآن عمل کند، نباید به دنبال یکی کردن مذاهب

برود بلکه بایستی در هر حال به ربسمان الهی چنگ زند و ضمن دفاع از آرمان‌ها و اندیشه‌های خود به فکر و ایده سایرین نیز احترام بگذارد و مانع تشمت و نزاع و اختلاف شود.

۲. اختلاف غیرطبیعی و نامطلوب

برخی انسان‌ها حتی پس از هویدا شدن حق نیز دست از اختلاف برنمی‌دارند و این همان اختلافی است که مذموم و نامطلوب است و منشأ آن نیز عالمان بی‌تقوا یا افراد متعصب و خودسر هستند. خداوند حکیم در این مورد می‌فرماید:

«وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (بقره، ۲۱۳)

مردم، امتی یگانه بودند؛ پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم‌دهنده برانگیخت، و با آنان، کتاب [خود] را بحق فرو فرستاد، تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند. و جز کسانی که [کتاب] به آنان داده شد - پس از آنکه دلایل روشن برای آنان آمد - به خاطر ستم [و حسدی] که میانشان بود، [هیچ کس] در آن اختلاف نکرد. پس خداوند آنان را که ایمان آورده بودند، به توفیق خویش، به حقیقت آنچه که در آن اختلاف داشتند، هدایت کرد. و خدا هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند.

همچنین در سوره آل‌عمران می‌فرماید:

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ» (آل‌عمران، ۱۹)

دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است و کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد، اختلافی (در آن) ایجاد نکردند، مگر بعد از آگاهی و علم، آن‌هم به خاطر ظلم و ستمشان و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، (خدا به حساب او رسیدگی می‌کند زیرا) خداوند، سریع الحساب است.

در جایی دیگر می‌فرماید:

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل‌عمران، ۱۰۵)

و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند؛ (آن‌هم) پس از آن که نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید؛ و آن‌ها عذاب عظیمی دارند.

اختلاف قبل از علم، اختلافی فطری و ضروری و طبیعی است و سرچشمه آن، اختلاف

سواد انسان‌ها است که منجر به اختلاف احساسات و ادراکات و احوال است اما اختلاف دیگری بعد از آمدن دین و کتاب پیدا می‌شود که این اختلاف بعد از علم است که آن را حاملان دین به وجود آوردند. در واقع سرچشمه این اختلاف بغی و ستم است و نه فطرت سلیم انسانی! همین اختلاف است که قرآن از آن نهی کرده و آن را عامل از بین رفتن شوکت و عظمت مسلمانان معرفی کرده و فرموده است:

«وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال، ۴۶) و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از بین نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت‌کنندگان است.

در مبانی اسلام بعد از شرک به خداوند متعال از هیچ چیز به اندازه این نوع از اختلاف منع نشده است. این نوع از اختلاف آن قدر ناپسند و خطرناک است که پیامبر خدا هارون، در جواب برادرش موسی - که وی را بازخواست می‌نمود که چرا اجازه داده بنی‌اسرائیل گوساله بپرستند - جلوگیری از اختلاف را عذر آورد! در واقع هارون اختلاف و تفرقه را از عبادت بت‌ها خطرناک‌تر به شمار آورد و خطاب به برادرش گفت:

«قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي» (طه، ۹۴) ای فرزند مادرم! (ای برادر!) ریش و سر مرا مگیر! من ترسیدم بگوئی تو بین بنی‌اسرائیل تفرقه انداختی و سخن مرا پاس نداشتی.

قرآن تفرقه را در ردیف عذاب‌های الهی برشمرده و فرموده است:

«قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْضِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ» (انعام، ۶۵) بگو: او قادر است که از بالا یا از زیر پای شما، عذابی بر شما بفرستد یا شما را گروه‌گروه به هم آورد و طعم جنگ (و اختلاف) را به هر یک از شما به وسیله دیگری بچشاند.

در آیات متعددی اهل کتاب که در دین خود تفرقه و اختلاف کردند مورد نکوهش واقع شده‌اند و از آن جمله در آیه ۱۵۹ سوره انعام خدای متعال فرموده است:

«إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيْعًا لَّسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» کسانی که آیین خود را پراکنده ساخته و به دسته‌های گوناگون (و مذاهب

مختلف) تقسیم شدند، تو هیچ‌گونه رابطه‌ای با آن‌ها نداری! سروکار آن‌ها با خداست؛ سپس خدا آن‌ها را از آنچه انجام می‌دادند با خبر می‌کند.

در آیات فراوانی نیز به این نکته پرداخته شده که؛ با وجود این گونه از اختلاف، جامعه از شکوفایی باز می‌ماند و برای جلوگیری از توقف و رکود و هدر دادن نیرو و توان باید این اختلاف و نزاع را به کناری نهاد و با اعتصام به ریسمان الهی به رشد و شکوفایی نایل آمد. «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران، ۱۰۳) و همگی به ریسمان خدا [= قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید.

راه‌کارهای قرآن برای مدیریت اختلاف و تحقق تقریب

تشویق به وحدت و پرهیز از اختلاف در صورتی مؤثر است که عوامل اختلاف شناسایی و با راه‌حل‌های مثبت در جهت وحدت گام برداشته شود. در مجموع قرآن در بیش از پنجاه آیه به موضوع اختلاف، وحدت و روش‌های پیش‌گیری و راه‌های به دست آوردن اتحاد اشاره می‌کند که همه بیان‌گر اهمیت این موضوع از منظر قرآن می‌باشد. با بررسی این آیات به خوبی می‌توانیم به عوامل و راه‌کارهایی که موجب وحدت و اتحاد امت اسلامی می‌گردد پی ببریم. مجموعه عوامل و راه‌کارهایی که قرآن کریم برای ایجاد وحدت میان آحاد جامعه انسانی و اسلامی از آن سخن گفته را می‌توانیم در چند مورد ذیل خلاصه کنیم.

۱. بیان آثار مثبت وحدت و انسجام اسلامی و نیز بیان آثار سوء تفرقه و اختلاف

یکی از راه‌کارهای قرآن برای تحقق وحدت، بیان آثار مثبت اتحاد و انسجام و همچنین بیان آثار سوء تفرقه و اختلاف است. مهم‌ترین آثار اتحاد اسلامی از دیدگاه قرآن بدین شرح است:

الف. برچیده شدن زمینه سلطه بیگانگان و استعمارگران. (قصص، ۴)

ب. افزایش قدرت و هیمنه مؤمنان. (انفال، ۴۶)

ج. رسیدن به آرامش و آسایش. (آل عمران، ۱۰۳ و انعام، ۶۵)

د. رعایت حقوق برادری و عیب‌جویی نکردن و گمان باطل به یکدیگر نبردن. (حجرات، ۱۱ و ۱۲)

ه: خیرخواهی افراد نسبت به همدیگر و امر به معروف و نهی از منکر. (آل عمران، ۱۰۴)
و: اتحاد و انسجام مسلمانان همچون بنیان مرصوص.

ی: مورد تأکید قرار گرفتن اصول دین و چنگ زدن به ریسمان الهی.

در قرآن کریم، به طور آشکار اعتصام به «حبل‌الله» به عنوان پایه و اساس وحدت و انسجام اسلامی به شمار آمده است. در سوره آل عمران خدای متعال نعمت اسلام و قرآن و حبل‌الله - که به واسطه آن مسلمین صدر اسلام از دشمنی و تفرقه و اختلافات طولانی میان خود دست برداشته و در قلب‌هایشان الفت و مودت و دوستی و احساس برادری و انسجام اسلامی ایجاد شده بود- را یادآوری کرده و می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ ... وَأَمَّا الَّذِينَ ابْتَيْضَتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (آل عمران، ۱۰۷-۱۰۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از گروه‌هایی از اهل کتاب (که کارشان نفاق و شعله‌ور ساختن آتش کینه و عداوت است) اطاعت کنید، شما را پس از ایمانتان به کفر باز می‌گردانند. و چگونه ممکن است شما کافر شوید، با این که در دامان وحی قرار گرفته‌اید و آیات خدا بر شما خوانده می‌شود، و پیامبر در میان شماست! (بنابراین) به خدا تمسک جوید و هر کس به خدا تمسک جوید، به راه راست هدایت شده است. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آن گونه که حق تقوا و پرهیزگاری است؛ از خدا بپرهیزید! و از دنیا نروید مگر این که مسلمان باشید! (باید گوهر ایمان را تا پایان عمر، حفظ کنید!) و هم‌مسلمانان! به ریسمان خدا (قرآن و اسلام)، و هر گونه وسیله وحدت، چنگ زنی و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید! و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد. این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد شاید پذیرای هدایت شوید. باید از میان شما، کسانی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آن‌ها رستگارانند. و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند (آن‌هم) پس از آن که نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان، رسید! و آن‌ها عذاب عظیمی دارند. (آن عذاب عظیم) روزی خواهد بود که چهره‌هایی سفید و چهره‌هایی سیاه می‌شوند اما آن‌ها که صورت‌هایشان سیاه شده (به آن‌ها) گفته می‌شود. آیا بعد از ایمان و اخوت و برادری در سایه آن، کافر شدید!؟ پس بچشید عذاب را به سبب آن که کفر ورزیدید و اما آن‌ها که چهره‌هایشان سفید شده در رحمت خداوند خواهند بود و جاودانه در آن می‌مانند.

نزول این آیات زمانی بود که نزدیک بود دو قبیله اوس و خزرج در مدینه به تحریک یکی

از سران یهود بر روی هم شمشیر بکشند ولی پیامبر آن‌ها را از توطئه یهود باخبر ساخت. در این آیات، خداوند به مسلمانان نسبت به توطئه‌های دشمنان اسلام هشدار می‌دهد و خطرات نزاع و اختلاف را به آن‌ها گوشزد می‌کند.

مهم‌ترین آثار تفرقه و اختلاف از دیدگاه قرآن

الف. تفرقه مسلمانان را سست می‌کند و ابهت و هیبت آن‌ها را از بین می‌برد. (انفال، ۴۶)

ب. تفرقه و نفاق، پرتگاه و گودال آتش است. (آل عمران، ۱۰۳)

ج. تفرقه و نفاق سبب خروج از آیین اسلام است. (آل عمران، ۱۰۵)

د. تفرقه موجب ذلت و خواری در دنیا و عقوبت و مجازات در آخرت می‌گردد. (آل

عمران: ۱۰۵)

با مراجعه به تاریخ صدر اسلام به روشنی می‌توان دریافت که ضعف و انحطاط مسلمانان در اثر اختلاف و تفرقه و فراموش کردن ارزش‌های اصیل اسلامی به وجود آمد. در اثر نزاع و کشمکش، ضربه‌هایی سهمگین بر پیکر اسلام وارد آمد و امت بزرگ و نیرومند اسلام به ملت‌های کوچک و ضعیف تبدیل شد. در اثر اختلاف بود که کشور بزرگ و نیرومند اندلس از لیست کشورهای اسلامی حذف شد و در اثر اختلاف است که کشور فلسطین دچار بحران شده و ساکنین مسلمان این کشور، آواره شده‌اند و لبنان مورد تهاجم اسرائیل غاصب قرار می‌گیرد و افغانستان و عراق در بحران جنایات ددمنشانه آمریکا به سر می‌برد.

۲. رجوع کردن به قرآن برای حل اختلاف

قرآن کامل‌ترین و بهترین معیار و راهنمای ما مسلمانان در نیل به سعادت دنیوی و اخروی است. بنابراین مسلمانان باید آن را راهنمای فکری و عملی خود در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی اعم از فرهنگی، اقتصادی و سیاسی قرار داده و برای حل اختلافات خویش بدان متوسل گردند.

در آیاتی از قرآن، خداوند متعال این کتاب آسمانی را محور و اساس حل اختلاف معرفی کرده و فرموده است:

«وَمَا أَرْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (نحل،

۶۴) ما قرآن را فقط برای این منظور نازل کردیم که تو مواردی را که در آن اختلاف دارند، برای آن‌ها روشن کنی و (این قرآن) مایه هدایت و رحمت است برای قومی که ایمان دارند.

در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

«كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اختلفُوا فِيهِ وَمَا اختلفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أوتوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اختلفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (بقره، ۲۱۳) مردم (در آغاز) یک دسته بودند؛ و تضادی در میان آن‌ها وجود نداشت. آن‌گاه جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آن‌ها پدیدار شد. (در این حال) خداوند، پیامبران را برانگیخت؛ تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی به سویشان نازل نمود تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند. (افراد باایمان، در آن اختلاف نکردند؛) تنها گروهی از کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند، و نشانه‌های روشن به آن‌ها رسیده بود، به خاطر انحراف از حق در آن اختلاف کردند. خداوند، آن‌گاه کسانی را که ایمان آورده بودند، به حقیقت آنچه مورد اختلاف بود، به فرمان خودش، رهبری نمود؛ و خدا هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می‌کند.

با توجه به آن که از همان ابتدای خلقت - یعنی زمانی که میان هابیل و قابیل نبردی صورت گرفت - همواره در میان انسان‌ها اختلافاتی وجود داشته؛ خداوند متعال پیامبران را فرستاده تا با حل اختلافات مردم بر اساس کتاب الهی، میان آنان اتحاد و همبستگی ایجاد کنند.

۳. رجوع به سنت نبوی جهت حل اختلاف

ایمان و تسلیم در برابر دستورات پیامبران در همه زمان‌ها پایان‌بخش کشمکش‌ها و باعث ایجاد وحدت در جوامع انسانی بوده است. خدای سبحان تنها مرجع حل اختلاف را (کلام جاوید) خود و رسول گرامی خویش می‌داند و می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء، آیه ۵۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید؛ پس هر گاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید، این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است.

در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

«وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (انعام، ۱۵۳) این راه مستقیم من است از آن پیروی کنید و از راه‌های پراکنده و انحرافی پیروی نکنید که شما را از طریق حق دور می‌سازد. این چیزی است که خدای سبحان شما را به آن سفارش می‌کند شاید تقوا و پرهیزکاری پیشه کنید.

۴. التزام به اعمال و فرامین عبادی که برای ایجاد وحدت مؤثر است.

در اسلام تشریح عبادات به گونه‌ای انجام گرفته که فرد و اجتماع را خواسته یا ناخواسته به هم‌گرایی و هم‌بستگی فرا می‌خواند. نمازهای جماعت، جمعه و عید و مراسم و مناسک حج و جهاد و انفاق و زکات - با توجه به مصارف هشت‌گانه آن - از جمله این اعمال و عبادات می‌باشد. در سوره‌های غافر، آل‌عمران، بقره، جمعه، یوسف، نور و غیره نیز مرتب این نکته مهم و اساسی مورد تأکید واقع شده است.

حج نیز بزرگ‌ترین و باشکوه‌ترین همایشی است که جهان اسلام هر ساله از این طریق می‌تواند اتحاد و یکپارچگی امت اسلامی را برای جهانیان به نمایش بگذارد. از آن‌جا که اجرای این همایش از جهات مختلف عبادی، سیاسی و اجتماعی، در اتحاد و انسجام مسلمین نقش بسزایی دارد، خداوند انجام آن را در زمانی خاص بر افراد مستطیع (توانمند) واجب گردانیده تا مسلمانان از این رهگذر علاوه بر دستیابی به سایر اهداف خویش؛ با گرد هم آمدن برای انجام این فریضه الهی، ارتباط متقابل و اتحاد با یکدیگر را تجربه و احساس کنند. از طرف دیگر خداوند در قرآن دستور داده نمازها فقط به یک سو - یعنی کعبه - بر پا شود که این خود عاملی برای ایجاد وحدت است. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید:

«وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ» (البقره، ۱۵۰) و از هر کجا بیرون آمدی، [به هنگام نماز] روی خود را به سمت مسجدالحرام بگردان؛ و هر کجا بودید روی‌های خود را به سوی آن بگردانید.

توجه جدی اسلام به نهادهایی چون: خانواده، مسجد، مدارس و آموزشگاه‌ها و مراسم و مناسبات مختلف همانند دید و بازدیدهای دوستانه و روابط بین خویشاوندان (صله رحم) و همکاری و تعاون در ساخت مساجد و اجرای امور خیریه، و غیره که صبغه عبادی گرفته نیز

همه‌وهمه نشان دهنده اهتمام ویژه اسلام به وحدت می‌باشد.

با یک نگاه اجمالی به مجموعه احکام اسلامی معلوم می‌شود که روح هم‌گرایی و اتحاد در همه احکام اسلامی ملحوظ است و لذا همان‌گونه که اگر گلاب را از گل بگیرند دیگر آن گل را جلوه و عطری نمی‌ماند اگر روح هم‌گرایی و اتحاد را از اعمال دینی بگیرند نیز در آن شکوه و عظمتی باقی نخواهد ماند و دین چون پیکری بی‌روح خواهد شد. در ضمن با توجه به این موضوع پی‌می‌بریم که اگر مسلمانان به روح این اعمال پی‌برند و بدان ملتزم گردند این به خودی خود موجب اتحاد و انسجام آن‌ها خواهد شد.

۵. توجه و التزام به اصلاح ذات‌البین

از جمله راه‌کارهایی که قرآن برای ایجاد وحدت در جامعه و زدودن اختلاف و تفرقه ارائه داده است، توجه و التزام به «اصلاح ذات‌البین» است. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (انفال، ۱) پس از خدا پروا دارید و روابط خود را اصلاح کنید و از خدا و رسولش اطاعت کنید اگر مؤمن هستید. در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات، ۱۰) در حقیقت مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادرانتان سازش دهید و از خدا پروا بدارید. اهمیت ایجاد صلح و آشتی و بر طرف کردن کدورت‌ها بر کسی پوشیده نیست و این عمل در فهرست وظایف انبیاء قرار دارد. در سوره‌های انفال، حجرات، نساء و غیره نیز بر اهمیت و جایگاه «اصلاح ذات‌البین» تأکید شده است.

۶. توجه و عنایت به فرامین اخلاقی و سلوک اجتماعی

این که قرآن همواره بر احسان، نیکوکاری، انفاق و دیگر رفتارهای پسندیده و معروف تأکید می‌کند و انسان‌ها را به رعایت اصول اخلاقی مانند غیبت نکردن، عدم سوءظن و پرهیز از تجسس در کار دیگران و عیب‌جویی نکردن و غیره فرا می‌خواند به نوبه خود تأثیر بسزایی در ایجاد وحدت و انسجام امت دارد و موجبات زدودن اختلاف و نزاع را میان مردم فراهم می‌کند. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ

الإيمانَ وَمَنْ لَمْ يَتَّبِعْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِمَّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ» (حجرات، ۱۱ و ۱۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید قومی قوم دیگر را استهزا کنید، شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند، و نه زنانی زنان [دیگر] را، شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند، و عیب یکدیگر را به رخ نکشید و همدیگر را به لقب‌های زشت بخوانید که بدنامی است نام کفر و فسوق پس از ایمان و آن‌ها که توبه نکنند همانان ستمکارند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری گمان‌ها بپرهیزید، چرا که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است، و [در کار دیگران] تجسس نکنید و کسی از شما غیبت دیگری نکند. آیا کسی از شما دوست دارد گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ [بی‌شک همه شما] از آن کراهت دارید. [غیبت نیز چنین است] و از خدا بترسید، که خدا توبه‌پذیر مهربان است.

هم چنین می‌فرماید:

«وَإِذَا حُيِّتُمْ بِحَيْثُ فَحِیُّوْا بِأَحْسَنِ مَنِهَا أَوْ رُدُّوْهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ حَسِیْبًا» (نساء، ۸۶) و چون به شما درود گفته شد، شما به صورتی بهتر از آن درود بگویید، یا همان را برگردانید.

قرآن کریم حتی متذکر شده که در برخورد با مخالف نیز نباید دشمنی و اختلاف، موجب بی‌عدالتی و زیر پا نهادن حق و حقیقت گردد و لذا با صراحت تمام فرموده است:

«وَلَا یَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلٰی اَلَّا تَعْدِلُوْا اَعْدِلُوْا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰی» (مائده، ۸) و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که از جاده عدالت خارج شوید؛ عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است.

در آیات متعدد دیگری نیز مکرر به مکارم اخلاقی و عنایت به ارزش‌های والای انسانی و اسلامی توصیه و سفارش شده که التزام و توجه به آن‌ها تأثیر فراوان و مطلوبی را در ایجاد وحدت و انسجام امت اسلامی دارد.

وجود خصلت‌های ناپسندی چون: حسادت، تکبر، کینه‌توزی، لجاجت، شهرت‌طلبی، دنیاپرستی، غیبت و تهمت می‌تواند عامل مهمی در ایجاد اختلاف و تفرقه میان مردم باشد. (نک: مائده، ۹۱؛ بقره، ۲۰۸ و اعراف، ۳۸) و لذا قرآن به این نکته هم اشاره می‌کند و هشدار می‌دهد که مسلمانان مراقب باشند تا دشمن درونی و بیرونی آن‌ها اعم از دشمن جنی و انسی بذر عناد و دشمنی را در میان آن‌ها نپراکند و آنان را به نزاع و درگیری دچار نکند.

۷. گفت‌وگو و تعامل علمی میان دانشمندان و فرهیختگان مسلمان

یکی دیگر از مهم‌ترین راه‌کارهای ارائه شده توسط قرآن برای ایجاد وحدت و تقریب، سنت حسنه گفت‌وگو می‌باشد. بخش اعظمی از اختلاف‌ها از سوء تفاهم یا نفهمیدن حرف طرف مقابل ناشی می‌شود که در این میان گفت‌وگو تلاش و چاره‌ای است برای شناخت دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات یکدیگر. گفت‌وگو و مشتقات آن، بیش از ۱۷ بار در قرآن تکرار شده که بیان‌گر اهتمام ویژه اسلام به آن می‌باشد. اصلاً قرآن کریم خود کتابی است که سرتاسر آن را گفت‌وگوهای میان خدا و پیامبر یا گفت‌وگو میان پیامبران با امتشان یا گفت‌وگو با معاندان و مخالفان تشکیل داده است. به عنوان مثال خداوند مقتدر و توانا که خالق و رازق و حافظ همه موجودات در گیتی است رسول گرامی خویش را این‌گونه به گفت‌وگو با انکارکنندگان خود فرا می‌خواند و می‌فرماید:

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (آل عمران، ۶۴) بگو: ای اهل کتاب! بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما مشترک است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و کسی را با او شریک نکنیم و هیچ کس از ما دیگری را به جای خداوند صاحب اختیار نگیرد. پس اگر [از این پیشنهاد] اعراض کردند بگویید: شاهد باشید که ما سر به فرمان خداییم.

با عنایت به آن که خدای متعال و رسول گرامی او این‌گونه به بحث و گفت‌وگو با مخالفین خود می‌پرداخته و با دلایل و براهین مختلف در صدد اقناعشان برمی‌آمده‌اند تا به نحوی آن‌ها را به سعادت و خوشبختی واقعی در دو جهان رهنمون گردند، آیا بهانه‌ای برای مسلمانان باقی می‌ماند که از گفت‌وگو با هم و دیگران (به ویژه رقیبان و مخالفانشان) سرپیچی کنند؟ پرواضح است که هیچ گناهی بدتر و نابخشودنی‌تر از کفر و شرک نیست، اما همان‌گونه که مشاهده می‌کنیم حتی این گناهان بزرگ نیز مانع گفت‌وگو میان پیامبر و خداوند با مشرکین نشد و لذا می‌توان نتیجه گرفت که با هیچ عذر و بهانه‌ای نمی‌توان از گفت‌وگو روی گردان شد و یا از آن شانه خالی کرد. این در حالی است که امروزه یکی از مهم‌ترین عوامل اختلاف و تفرقه میان امت اسلامی را همین عدم گفت‌وگو و سوء تفاهمات موجود میان آن‌ها تشکیل می‌دهد. در عصری که یهود و نصاری اختلافاتشان - که همچون کوه و فراتر از آن است و شاید کمتر

وجه اشتراکی به لحاظ دینی و مذهبی میان آن‌ها باشد- را با گفت‌وگو حل می‌نمایند؛ مشاهده می‌کنیم که بسیاری از مسلمانان با فاصله گرفتن از فرهنگ اصیل اسلامی و به فراموشی سپردن اصل گفت‌وگو و گفت‌وگو دینی، به خاطر مسایلی بسیار جزئی و ناچیز علیه همدیگر موضع می‌گیرند و حتی به قتل و قتال می‌پردازند.

در قرآن برای گفت‌وگو اصول و ضوابطی قرار داده شده است. خداوند متعال در این مورد می‌فرماید:

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل، ۱۲)
با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر است مجادله نما.

در آیه‌ای دیگر این که غرض از گفت‌وگو غلبه و چیزی مانند آن بوده و هدف از آن کشف حقیقت نباشد مورد مذمت واقع شده و خداوند متعال فرموده است:

«وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا» (نساء، ۱۰۷)
و از کسانی که به خویشتن خیانت می‌کنند دفاع مکن، که خداوند هر کس را که خیانت‌گر و گناه‌پیشه باشد دوست ندارد.

بدون تردید گفت‌وگوی بین مذاهب، فضای بدبینی را کاهش می‌دهد و روشن می‌سازد که بسیاری از بدفهمی‌ها در اثر دوری و وجود فاصله‌ها بوده است. در طول تاریخ تجربه نشان داده است که چگونه تعامل علمی میان دانشمندان مسلمان رفع کدورت‌ها و سوء تفاهات را منجر شده است.

شایان ذکر است اگر بنا باشد که هر گروه یا فرقه‌ای به قصد به کرسی نشاندن و تحمیل اندیشه‌های خود و بدون این که اندکی به دیگران حق بدهد به گفت‌وگو بپردازد، فضای مناسب برای تعامل و گفت‌وگو فراهم نخواهد شد. بر همین اساس قرآن اصولی را جهت تحقق وحدت و جلوگیری از اختلاف پیش‌بینی کرده که بدین شرح است:

الف. رفتار مسالمت‌آمیز با پیروان مذاهب مختلف

یکی از مهم‌ترین عوامل و راه‌هایی که به ایجاد وحدت و انسجام امت اسلامی می‌انجامد، احترام متقابل پیروان مذاهب مختلف با یکدیگر است. بدیهی است هر چند اختلافات مذهبی عمیق باشد، اما این اختلافات نباید آثار عملی خشونت‌باری را در پی داشته باشد. از منظر

قرآن کریم عمده اختلاف‌ها در جوامع ناشی از انکار حقیقت و از روی سرکشی نیست بلکه بسیاری از این اختلاف‌ها ثمره طبیعی و منطقی محیط و نوع تربیت و شرایط طبیعی می‌باشد و لذا قرآن در آیه ۱۱۸ سوره هود با عنایت به این نکته به صراحت می‌فرماید: انسان‌ها همواره در اختلاف هستند.

به این ترتیب علم ازلی خداوند بر آن تعلق گرفته که همواره اختلافاتی میان بشریت وجود داشته باشد و لذا برطرف کردن آن به زور و اجبار ممکن نیست. خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (یونس، ۹۹) و اگر پروردگار تو می‌خواست، قطعاً کسانی که در زمین‌اند همه آن‌ها یکسره [به اجبار] ایمان می‌آوردند. حال آیا تو مردم را مجبور می‌کنی که مؤمن شوند.

طبق این آیه، مشیت خداوند بر آن تعلق نگرفته که همه در روی زمین ایمان آورند و همه یک گونه مؤمن باشند و عقیده واحدی داشته باشند. بنابراین دلیلی ندارد که صاحبان مذاهب بخواهند آثار عملی و خشونت‌باری ایجاد کنند و رفتار مسالمت‌آمیز با پیروان مذاهب مخالف را به جنگ و نزاع تبدیل کنند.

ب. پرهیز از طرح مسایل اختلاف‌برانگیز و بی‌ثمر مذهبی یکی دیگر از عوامل وحدت‌بخش در جامعه اسلامی، پرهیز از طرح مسایل بی‌ثمر مذهبی است که موجب افزایش تنش و ایجاد اختلاف در میان فرقه‌های مذهبی می‌گردد. در این زمینه دو نکته حایز اهمیت است:

اولاً: روح کلی و جان‌مایه دعوت قرآن؛ نهی از جنگ و دشمنی و شقاق و قطعه‌قطعه کردن اجتماع مسلمانان است. بنابراین هر حرکت یا جنبشی که مانع همدلی و همکاری میان امت اسلامی بوده و موجبات ازهم‌گسستگی آن را فراهم کند برخلاف قرآن است و با آرمان‌ها و فرامین اسلامی سنخیت ندارد. خدای متعال در این مورد می‌فرماید:

«وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَازَعُوا فِتْفَشُلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال، ۴۶) از اختلاف و نزاع در دین پرهیزید که سست شوید و مهابت شما از بین برود. ثانیاً: از آن‌جا که تدبر در آیات و معارف قرآنی موجب بروز دیدگاه‌های مختلف می‌شود؛ قرآن خود دستور می‌دهد بحث و گفت‌وگو با شیوه‌ای نیکو انجام گیرد و اگر هم بحث به جدال انجامید این جدال به نحو احسن باشد. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید:

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل، ۱۲۵)
با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر باشد
مجادله نما.

ج. جلوگیری از تحریک احساسات و عدم توهین به مقدسات
بی‌گمان یکی دیگر از عوامل وحدت‌بخش و بلکه از مهم‌ترین آن‌ها، احترام به مقدسات
صاحبان مذاهب و فرقه‌های مختلف و رعایت ادب در گفتار نسبت به آن‌هاست. این یک اصل
دینی و عقلانی در میان ما امت اسلامی است که می‌گوییم: «آنچه را برای خود نمی‌پسندی
برای دیگران مپسند». بر این اساس همان‌گونه که ما نمی‌خواهیم به بزرگان، علما و دانشمندان
ما بی‌ادبی و بی‌احترامی شود، دیگران نیز این‌گونه‌اند و اسائه ادب به بزرگان و مقدسات
خویش را بر نمی‌تابند. این اصل و قاعده در مورد همگان عمومیت دارد و هیچ فرقه و حزبی
از آن مستثنا نشده و لذا خداوند حکیم برای آن که برخی در فهم این قاعده دچار اشتباه نشوند
مشرکین را که بدترین و معاندترین دشمنان اسلام و مسلمین هستند مثال زده و به عنوان
مصدقی برای این اصل یا قاعده فرموده است:

«وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (انعام، ۱۰۸) و آن‌هایی
را که جز خدا را می‌خوانند، دشنام مدهید که آنان (نیز) از روی دشمنی و به نادانی، خدا را
دشنام خواهند داد.

حتی پیرامون کسانی که رفتار زشت و مخاصمه‌آمیز و جنگ‌طلبانه‌ای دارند نیز قرآن
فرموده است:

«وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ
حَمِيمٌ» (فصلت، ۳۴) و نیکی با بدی یکسان نیست. بدی را به آن‌چه خود بهتر است دفع کن،
آن‌گاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است گویی دوستی یکدل می‌گردد.

در این آیه خداوند نمی‌خواهد که ما رقیب را رام کنیم، بلکه از ما خواسته است که دشمنی
را از بین ببریم و عداوت را ریشه‌کن کنیم و این جز با خوبی کردن و بدی را با نیکی پاسخ
دادن ممکن نیست. خداوند کریم می‌فرماید:

«كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام، ۱۰۸)
بدین‌سان برای هر امتی عملشان را بیاراستیم، سپس بازگشت آن‌ها به سوی پروردگارشان

است و ایشان را از آنچه انجام می‌دادند آگاه خواهد ساخت.

طبق این آیه برای هر امتی کردارشان آراسته می‌گردد و آن‌ها بدان اعتقاد پیدا می‌کنند و کوچک‌ترین توهینی را نسبت به این اعتقاد خود تحمل نمی‌کنند. بنابراین ما مسلمانان موظفیم از توهین و بی‌حرمتی نسبت به شخصیت‌های مورد احترام مذاهب و فرقه‌های مختلف اسلامی و حتی غیراسلامی خودداری کنیم زیرا این کار زمینه اختلاف و کینه‌توزی را فراهم کرده و به تحریک احساسات سایرین می‌انجامد.

د. پرهیز از تکفیر صاحبان فرقه‌های اسلامی

در طول تاریخ و به ویژه در عصر حاضر یکی از مهم‌ترین عوامل تفرقه و نبرد و قتال میان مذاهب و فرق گوناگون بحث «تکفیر» بوده است. بی‌تردید برای ایجاد فضای سالم ایمانی و دینی و کاهش اختلافات بایستی از تکفیر سایرین بدون دلیل قاطع و مسلم اجتناب کنیم. از مهم‌ترین بیماری‌های موجود در جوامع مذهبی می‌توان به رواج تکفیر مخالفان فکری و عقیدتی توسط طرفداران فرقه‌های مختلف اشاره کرد که به موجب آن، هر مذهب و فرقه‌ای مذهب مخالف خود را تکفیر می‌کند و هر یک از آن‌ها مذهب خود را مطلقاً بر حق دانسته و دیگری را به طور کلی و مطلق باطل و ناحق برمی‌شمارد. البته طبیعی است که هر فردی نظرات خود را حق و صحیح دانسته و سایر مذاهب و اندیشه‌ها را باطل یا ناصواب بداند؛ اما باید دانست که دیگران نیز درباره عقیده خود چنین فکر و ایده‌ای دارند و اگر قرار باشد، هر مذهبی مذهب دیگر را تکفیر کند؛ در آن صورت هر یک از پیروان مذاهب توسط پیروان مذهبی دیگر تکفیر خواهند شد و این خود موجبات درگیری، دو دستگی و رواج تعصب کورکورانه و احياناً نسبت‌های خلاف واقع را منجر خواهد شد و به کینه‌توزی، جنگ و نبرد و برادرکشی خواهد انجامید و این به نفع هیچ مذهبی نیست که با این روش با مخالفان خود برخورد کند.

در قرآن کریم این سبک و روش، مورد مذمت قرار گرفته و خدای متعال پیرامون آن فرموده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا» (نساء، ۹۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون در راه خدا زمین را طی می‌کنید، و ارسلی کنید و به کسی که نزد شما اظهار اسلام می‌کند مگویید تو مؤمن نیستی.

مفهوم این پیام قرآنی آن است که در گشت و گذار و ارتباط با جوامع و ملت‌ها که انسان افکار و اندیشه‌های متفاوتی را می‌بیند، به مجرد این که دید کسی بر خلاف عقیده او سخن می‌گوید، نباید آن شخص را طرد و لعن کند و به دیگران نسبت نامسلمانی بدهد. به این ترتیب هر چند ممکن است افرادی آن‌گونه که ما می‌اندیشیم، نیندیشند، اما این دلیل بر تکفیر آنان توسط ما نمی‌شود و چه بسا اندیشه آنان صحیح‌تر باشد!

بدون شک، تعالی فکر و اندیشه و شفاف شدن حقایق و نزدیکی و الفت میان قلوب و کاهش اختلافات زمانی رقم خواهد خورد که دیگر مسلمانان به کوچک‌ترین بهانه‌ای حکم تکفیر همدیگر را صادر نکنند و عالمانه و با سعه صدر به مسایل بنگرند.

نتیجه

به طور کلی در قرآن کریم از دو نوع اختلاف سخن به میان آمده که یکی از آن‌ها طبیعی و مطلوب و دیگری مذموم و نامطلوب می‌باشد.

در بسیاری از آیات قرآن به اختلاف افکار و اندیشه‌ها و اختلاف و چندگانگی میان ملت‌ها و طبایع بشری و غیره اشاره شده و این تنوع و چندگانگی طبیعی و نشئت گرفته از سنت الهی قلمداد شده است. نقطه مقابل این قبیل اختلافات، اختلاف‌های نامطلوب و غیر طبیعی است که بسیار مذموم و ناپسند است و در قرآن به اجتناب و پرهیز از این اختلاف‌ها تأکید شده است. اختلاف‌های ناشی از تعصب و اختلاف‌هایی که از جهل و ناآگاهی نشئت می‌گیرد و غیره از این نوع اختلافات می‌باشد. به طور کلی در قرآن راهکارهایی برای رهایی از این نوع اختلافات ارائه شده که به شرح ذیل می‌باشد:

۱. بیان آثار مثبت وحدت و انسجام اسلامی و نیز بیان آثار سوء تفرقه و اختلاف. از مهم‌ترین راهکارهای قرآن برای تقریب و ایجاد همبستگی میان امت اسلامی آن است که به مسلمانان توصیه کرده، همواره آثار نیکوی وحدت، شامل: برچیده شدن زمینه سلطه بیگانگان و افزایش قدرت و هیمنه امت اسلامی و آسایش و آرامش حاصل از آن و غیره و در مقابل آثار سوء تفرقه شامل: از میان رفتن اقتدار مسلمانان و قرار گرفتن در پرتگاه آتش اختلاف و سقوط در گودال آن و ذلت و خواری حاصل از آن در دنیا و آخرت را تداعی و یادآوری کنند تا به خوبی به اهمیت تقریب و همبستگی پی ببرند.

۲. رجوع به قرآن و سنت نبوی برای حل اختلافات. دومین راهکار قرآن برای حل اختلاف

آن است که به امت اسلامی توصیه نموده به جای قیل و قال‌های تاریخی و مشاجره بر سر روایت‌های ضعیف تاریخی و حتی حدیثی و غیره، قرآن و احادیث صحیح نبوی را حکم و داور میان خویش قرار دهند و به طور کلی هر گونه نزاعی را با مراجعه به قرآن و سنت نبوی خاتمه دهند. قرآن کریم در این مورد به صراحت فرموده است: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولیای امر را و هرگاه در چیزی نزاع داشتید آن را به خدا و پیامبر بازگردانید و از آن‌ها داوری بطلبید. (نساء، آیه ۵۹)

التزام به اعمال و فرامین عبادی چون حج که برای ایجاد وحدت مؤثرند و استفاده از زمینه‌ها و ظرفیت‌های موجود در آن و توجه و التزام به «اصلاح‌ذات‌البین» و توجه به فرامین اخلاقی و سلوک اجتماعی و گفت‌وگو و تعامل علمی میان دانشمندان و فرهیختگان مسلمان از دیگر راه کارهایی است که قرآن برای ایجاد همبستگی و تقریب میان امت اسلامی توصیه و ارائه کرده است.

فهرست منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.

